

نگاهی به تصحیح فرائد الاصول حضرت شیخ مرتضی انصاری

• سیدعبدالله انوار
نسخه پژوه

را هیچ حد یقینی نمی‌تواند متوقف کند و به قول عربان نفس تواقه آنها چنان آنها را به پرتگاه‌های بلایای دنیوی و اخروی می‌اندازد که شاید درک اسفل السافلین بر ژرفای چنین ورطه‌ها نباشد این نفس تواقه آنها را از دیگران جدا می‌کند و در برج عاج خیالی جای می‌دهد که فقط شیاطین را بدان راه است و درین برج عاج هر روز که بگذرد در چنبره اعمال شیطانی آنها پیچیده‌تر می‌شوند تا آنکه لبخند مرگ دندان‌های گزنده خود را به آنها نشان دهد و از مجرای آب چون فرعون به گلخن آتش فروفکند. حضرت شیخ چنان از شهرت‌طلبی و مقام‌جویی برکنار بودند که مشهور است چون حوزه استاد خود را بر اثر مرگ از دست داد همه فرهیختگان حوزه به حضرتش شتافتند و ریاست حوزه را دو دستی تقدیم مقام بالایش کردند. مکارم اخلاقی و نفس‌اماره‌کشی و فرار از جاه‌طلبی و سرورجویی و حب‌دنیای مخمر در وجود این بزرگوار موجب شد که حضرت ایشان این مقام را نپذیرند و با قدرت خود را برکنار از آن دارند و احتراز فرمایند هر چه الحاح کردند اصرار ایشان بر قبول ناکردن بیشتر شد تا آنکه به حضرتش اعلام داشتند اگر چنین مقامی را نپذیرید حوزه علمی برهم می‌خورد و از جهت شرعی سخت مسؤول عندالله می‌شوید. از آنجا که هر نوع عمل موجب خلل در شرع در نزد ایشان و نخب‌لا یغفر بود این ریاست را پذیرفتند ریاستی که به قول حبیب‌آبادی صدها مجتهد اعلم چون میرزا حسن شیرازی و میرزای آشتیانی به طلبه بودن درس ایشان داشت و درین مقام ریاست چنانی بر موازین اخلاقی و ملکات فوق‌انسانی مشی فرمودند که در کتاب مآثر و الآثار آمده: «هر کس به این مقام می‌رسد در برابر مدح‌کنندگان ذم‌کنندگان دو چندان دارد ولی جناب انصاری چنان رفتار فرموده‌اند که احدی زبان انتقاد و حتی با یک لفظ بر ایشان مگشوده است.» باز معروفست با آمدن میلیون‌ها پول بزیار دست ایشان این بزرگوار به وقت مرگ دو قران بدهی برای بازماندگان خود گذاردند. این است بزرگی و سروری دینی و پیشوای مذهبی!!

اگر ما قائل به «رأس المئته» باشیم یعنی قائل باشیم که در هر صد سال به قول حافظ شکر لبی پیدا می‌شود و در معتقدات بدایعی می‌آورد که هر ذهن مبری از مکابره و انکار و عناد مجذوب این بدایع او می‌شود، بی‌شبهه و با ضرس قاطع یکی از آن «رأس المئته»ها حضرت شیخ مرتضی انصاری اعلی‌الله مقامه الشریف است. حضرت شیخ از دزفول به سال ۱۲۱۴ هـ. ق برخاست و در شب شبیه هیجدهم جمادی الثانی ۱۲۸۱ هـ. ق در نجف به بستر خاک رفت و در صحن مرتضوی آرامید.

آنان که با فقه و اصول آشنایی دارند به خوبی می‌دانند حضرت ایشان چه نکات بدیع و اصیلی در فقه آورده‌اند که مغفول عنه اساطین فقه ما قبل ایشان بوده‌اند و باز در اصول فقه بر چه مهماتی دست یافته‌اند که ذهن‌های وقاد پیشینیان این حضرت بر آن وقوف نیفتاده‌اند و مباحث عملیه اصول فقه که چندان متوجه الیه ماسبق ایشان نبوده از طریق ایشان چنان منقح و متقوم شده است که هر بحث در باب هر یک از آنها که امروز از مستندات است قوام خود را از ناحیت این قدیس بزرگوار باید بداند.

عجب در این است که ذهن مشکل‌گشای شیخ در مباحث منطقی برخورداردی در کتاب فرائد الاصول چنین از حل عقد منطقی بر می‌آیند که عالمان منطق درین تبیینات انگشت حیرت برد مانند و بهترین گواه برین مدعی اقوالی است که مجتهدان سترگ عالم شیعه چون میرزای شیرازی و میرزای آشتیانی درین باب گفته‌اند که گذشته ازین اقوال وجود عینی کارهای عظیم ایشان در امور علمی است که اکنون به دست و معرف شخصیت علمی حضرت ایشان است، از این مراتب کمال علمی ایشان گذشته آنچه انسان را مفتون این شخصیت بزرگ علمی می‌کند مقام بالای ایشان در فضائل اخلاقی است. تجربه نشان داده آنان که در مراتب علمی بسیار پایین‌تر از ایشانند چون حرمتی از خلق الله می‌بینند چنان گرفتار عجب و خودپسندی می‌شوند که هیچ قلمی را قدرت بیان آن نیست و برتر طلبی آنها



نوشتاری کتاب کاسته است. آقای نورانی کتاب را در دو جلد رحلی متوسط بدین شرح چاپ سربی کرده‌اند:

جلد اول: این جلد پس یک مقدمه به زبان عربی به قلم آقای نورانی در شرح حال حضرت شیخ و اقوال دیگران درین باب (از برگ «الف» تا «س» و دو صفحه (صفحات یک و دو) به قلم «عبدالحسین بن محمد رضا تستری (=شوشتری) در مناقب کتاب فرائد الاصول از صفحه ۴ اصل کتاب از باب «قطع» شروع می‌شود و تا صفحه ۴۰۲ در «المسألة الرابعة» لودار الامر بین الوجوب و الحرمة جهة اشتباه الموضوع» می‌آید و بعد از صفحه ۴۰۲ دو صفحه تحت اعتذار در باب اغلاط چاپی این چاپ می‌آید. جلد دوم از صفحه ۴۰۳ از «الموضوع الثانی فی الشک فی المكلف به» شروع می‌شود و تا صفحه ۸۲۴ که پایان کتاب است در باب «اما القسم الثانی و هو مالا یكون معاضداً لاحد الخبرین فهی عدة امور» می‌آید. ایشان برای فرائد الاصول فهاری بدین شرح فراهم آورده‌اند: فهرست آیات مندرج در فرائد از صفحه ۸۲۵ تا ۸۲۶، - فهرست احادیث از صفحه ۸۲۷ تا وسط صفحه ۸۳۴، - فهرست اعلام از وسط صفحه ۸۳۴ تا صفحه ۸۴۲ شامل اسماء فقها و اهل بیت و طوائف و کتب. از صفحه ۸۴۳ تا ۸۵۵ فهرست محتویات کتاب، - از صفحه ۸۵۶ تا ۸۶۰ فهرست مصادر، - و از صفحه ۸۶۱ تا ۸۶۴ فهرست الفاظ مندرج در فرائد الاصول. به آخر این جلد حدود سه صفحه غلطنامه این جلد آمده است.

ناشر این چاپ مؤسسه نشر اسلامی تابع مدرسین در قم است. تاریخ نشر معلوم نیست. از تاریخ پایان مقدمه به قلم آقای نورانی که سال ۱۴۰۷ ه. ق آمده است، باید این تاریخ یا سال بعد تاریخ انتشار این چاپ باشد.

کتاب فرائد الاصول درین اواخر به وسیله آقای محمدی به فارسی ترجمه شده است. از قرار مسموع شرح مرحوم میرزا حسن آشتیانی که چاپ سنگی شده به دستور حضرت آیت الله عظمی آقای سیستانی پیشوای عالم شیعه بنا شده که چاپ سربی شود انشاءالله.

حضرت شیخ کتب و رسائل متعددی در مباحث فقه از خود باقی گذاشته‌اند و آنچه از این کتب در تداول حوزه‌های دینی بیشتر متداول است دو کتاب: مکاسب در فقه و رسائل در اصول که بین طلاب به فرائد الاصول مشتهر است. کتاب فرائد الاصول حاوی رسائلی است در باب «قطع» و «ظن» و «برادة» و «اشتغال» و «استصحاب» و «تعادل و تراجیح» این مباحث که مباحث غیرلفظی علم اصول فقه‌اند چون به میدان بحث و درس آمدند همه گفته‌های ماسبق ایشان را به فراموشی سپردند و نظر این فقیه عالیقدر دیگر اجازت ندارد که نظرهای آنها عرض اندام کند.

مرحوم آخوند ملامحمد کاظم خراسانی در کتاب «کفایة الاصول» خود اشاراتی دارند مبنی بر نظریات حضرت انصاری در مباحث الفاظ علم اصول که به قول مرحوم آخوند راوی این نظرها میرزا ابوالقاسم کلانتری یکی از شاگردان میرزا حضرت شیخ است و با تأییدهای مرحوم خراسانی اقوال حضرت شیخ در مباحث الفاظ نیز واجد بدایعی است. در فرائد الاصول ادله قوی شیخ در مبحث ظن خاص و در نیز در بحث‌های استصحاب و تعادل و تراجیح به قدری جذاب است که هر ذهن شایسته مباحث علمی و منطقی محالست که با آنها برخورد کند و تحت تأثیر قرار نگیرد. کتاب فرائد الاصول از طریق «میرزا موسی تبریزی» و «میرزا حسن آشتیانی» و «شیخ حسن مامقانی» و آخوند «ملا محمد کاظم خراسانی» و «شیخ آقا رضای همدانی» شاگردان شیخ به زمان گذشته شرح شده و تعلیقه خورده است و خود فرائد و شروع آن نیز چاپ سنگی شده‌اند و غرابت چاپ سنگی برای چشم‌های نسل جدید که آشنا به چاپ سربی‌اند موجب می‌شود تا خواندن اینگونه کتب چاپ سنگی ایجاد اشکال کند.

خوشبختانه جناب آقای عبدالله نورانی حفظه الله تعالی قدم پیش گزارده با دقتی که از خصوصیات ایشانست این کتاب را به چاپ سربی رسانده‌اند و در متن چاپی خود نیز مراعات ویژگی‌های سجاوندی جدید و پاراگراف‌بندی مناسب نموده‌اند. این اعمال عالمانه ایشان خیلی از غموضت‌های